

اولین رئیس جمهور

پنج گفتوگو در باره اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران

دی ماه ۱۳۵۸

جلال الدین فارسی ، ابوالحسن بنی صدر ،

آیت الله سید محمد بهشتی ، حسن حبیبی ، عزت الله سبحانی

محمد جواد مظفر

۱۳۹۸

فهرست

- پیشگفتار ۹
- مقدمه ۱۱
- گفت‌وگو با جلال‌الدین فارسی ۱۹
دوشنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۸
- گفت‌وگو با ابوالحسن بنی‌صدر ۴۳
دوشنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۸
- گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی ۱۰۳
پنجشنبه بیستم دی ماه ۱۳۵۸
- گفت‌وگو با حسن حبیبی ۱۵۳
شنبه بیست‌ونهم دی ماه ۱۳۵۸
- گفت‌وگو با عزت‌الله سبحانی ۱۸۷
یکشنبه سی‌ام دی ماه ۱۳۵۸
- نمایه ۲۱۸

محمد جواد مظفر: دوستان در نظر داشتند که سؤالاتی را با شما در میان بگذارند و پاسخ بگیرند.

البته در این فرصت کوتاه سه ربع یا یک ساعتی...

جلال الدین فارسی: بیست دقیقه‌ای در خدمت شما هستم.

مظفر: بیست دقیقه؟!!

فارسی: بله، چون من دو ساعت هم در جای دیگری محاکمه می‌شوم و...

- [خنده حضار].

مظفر: پس شما عادت کرده‌اید...

فارسی: نه، چون عادت ندارم.

مظفر: نه، [منظورم این است که] این چند روزه مجبور بودید محاکمه پس بدهید.

خود من یک سؤال کلی را مطرح می‌کنم تا بعد بقیه خواهان و برادران شروع کنند. مطمئناً شاید این سؤال در این روزها از شما زیاد شده باشد، و آن اینکه کسانی که با مطالعات اسلامی کمابیش سروکار دارند، خواه‌ناخواه با آثار شما نیز آشنا هستند. زندگی گذشته شما - تا حدی که ما اطلاع داریم - در جهت مبارزه در راه اسلام [سپری شده]. آنچه برای عده‌ای نقطه ابهام است این است که بعد از پیروزی انقلاب، با اینکه شما به فاصله‌ی یکی دو ماه در کادر مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت داشته‌اید، با این حال مردم نه تنها شما را در هیچ

کار اجرایی ندیدند - البته شاید دلایل این امر روشن‌تر از ابهام دوّم باشد - بلکه حتی شما را در میدان‌فعالیت‌های فرهنگی، مثل سخنرانی و نویسندگی و غیره نیز ندیده‌اند. به‌خصوص در حزبی که شما شرکت داشتید. انتظار می‌رفت که چهره‌ای مثل شما بتواند تا حدی حزب را از آن‌اتهاماتی که به آن به عنوان حزبی توجیه‌گر یا پایگاه ارتجاع وارد شد [نجات دهد]. اگر شما فعالیت چشمگیری می‌کردید و به عنوان یک فرد مشخص در جامعه مطرح می‌شدید و [مردم می‌دانستند] که شما یکی از اعضای کادر مرکزی حزب هستید، و در سطح ایران فعالیت می‌کردید، شاید حزب به این وضع در نمی‌آمد. ولی به نظر می‌آید که شما بعد از انقلاب نه فعالیت چشمگیری در کادر مرکزی [حزب] داشته‌اید و نه فعالیت فرهنگی، و نه کار اجرایی به عهده گرفتید.

پاسخ این مسائل از جانب شما چه می‌تواند باشد؟

ناصر حیرانی‌نوبری: ^۱ آقای مظفر، چون فرصت کم است بهتر است سؤالات سریعاً طرح شود و آقای فارسی در مجموع جواب دهند.

مظفر: آقای فارسی، این‌طور بهتر است؟

فارسی: یکی یکی جواب بدهم بهتر است، چون فراموش می‌شود.

این مسئله‌ای که شما مطرح می‌کنید مسئله مهمی نیست؛ در مورد کار اجرایی پس از انقلاب [باید بگویم که] اولاً، من حاضر به کار در دولت بازرگان نبودم. با آن دولت و سیاست‌های داخلی و خارجی‌اش مخالف بودم و در تمام سخنرانی‌ها - از هفته‌های اول انقلاب - این [مسئله] را متذکر شدم. و بهترین کاری که جهت جهت‌دادن به انقلاب می‌توانستم انجام دهم از موضع خارج دولت بود. هیچ‌کس به اندازه من نسبت به دولت

بازرگان انتقاد نکرد. هیچ‌کس جرأت این کار را نداشته و هیچ‌کس هم چنانکه من موفق بودم، موفق نبوده است.

اولین انتقاد من به دولت بازرگان در دوره‌ای بوده که هیچ‌کس جرأت [انتقاد] نمی‌کرد. تنها یک کسی سخنرانی کرده بود و دانشجویان نگذاشتند که به سخن خود ادامه دهد؛ به جهت اینکه از دولت بازرگان انتقاد کرده بود. البته شکل و انگیزه انتقاد این شخص با آنچه که من انتقاد کردم فرق داشته است. ولی من در دانشگاه صنعتی شریف صحبتی با عنوان «ضدانقلاب در دولت» داشتم. تعبیر آن همین بود. دولت را راهنمایی کردم و جهت دادم؛ آن هم از موضع مکتب اسلام.

اولین کسی که به امیرانتظام انتقاد کرد و او را افشا کرد من بودم (در دانشکده نفت آبادان).^۱

اگر همه این سخنرانی‌هایی را که من کرده‌ام، به اثر و ارزش آنها نگاه کنیم، از کار مجموعه هیأت دولت هم بیشتر بوده است. چون کمیّت مهم نیست؛ کیفیت مهم است. اگر کسی یک سانتی متر بتواند مسیر انقلاب را به راست یا به چپ، یا به صراط مستقیم نوسان و

۱. عباس امیرانتظام از جنجالی‌ترین چهره‌های سیاسی ۲۰ سال اخیر ایران، دارای فوق‌لیسانس اقتصاد، پس از فراغت از تحصیل از دانشگاه برکلی در آمریکا و سه سال کار در آن کشور، در آغاز دهه ۵۰ به ایران مراجعت و اقدام به تأسیس یک شرکت مشاوره مهندسی کرد. در سال ۵۷ در جریان انقلاب و فعالیت‌های «کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر» در کنار مهندس بازرگان قرار گرفت و نقش مترجم را در ملاقاتهای مرحوم مهندس بازرگان و گفت‌وگو با خارجی‌ان، خصوصاً آمریکایی‌ها ایفا می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب، از سوی مهندس بازرگان، به سمت معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت برگزیده شد. این انتصاب مورد اعتراض بسیاری، حتی گروهی از اعضای نهضت آزادی در آن زمان قرار گرفت (به سخنان دکتر حسن حبیبی و مهندس عزت‌الله سحابی در همین کتاب مراجعه کنید). در سال ۵۸ به عنوان سفیر ایران در سوئد به اروپا رفت. پس از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و افشای اسناد آن سفارتخانه، امیرانتظام متهم به جاسوسی به نفع آمریکا شد و در دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم به حبس ابد گردید. مرحوم مهندس بازرگان همواره به این حکم اعتراض داشت و آن را ناعادلانه می‌دانست. امیرانتظام بالاخره پس از ۱۵ سال از زندان آزاد شد. سال گذشته (۱۳۷۷) پس از ترور مرحوم لاجوردی، امیرانتظام اظهاراتی در مورد وی کرد که منجر به شکایت خانواده مرحوم لاجوردی از وی شد. بنابراین دوباره دستگیر و زندانی شد و در حال حاضر در زندان به سر می‌برد.

۱. ناصر حیرانی‌نوبری متولد ۱۳۳۴ دانشجوی رشته مهندسی سازه از دانشگاه صنعتی شریف بود که با توجه به سابقه تدریس در دبیرستانها و حضور شهید رجائی به عنوان وزیر آموزش و پرورش و تشکیل هسته‌های پاک‌سازی افراد فاسد یا وابسته به رژیم شاه در وزارتخانه‌ها که مهمترین آنها آموزش و پرورش بود و شهید رجائی بر آن تأکید و اافر داشت به عنوان نماینده وزیر در آن هسته مشغول به کار شد. چند سال بعد او به وزارت امور خارجه رفت و در دوران گورباچف سفیر ایران در شوروی بود. در حال حاضر وی مشاور وزیر امور خارجه و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.